

## Comparison of Traditional and Non-traditional College Student's Achievement Motivation, Achievement and Self-Esteem

Ranjghar, Bairam

**Abstract:** The aim of present study was to examine and comparison of traditional and non-traditional college students' achievement motivation, academic achievement and self-esteem. A samples of 148 students (74 traditional and 74 non-traditional) was selected randomly from Islamic Azad University students population. All of students were asked to complete Edwards's Achievement motivation inventory and Cooper Smith Self-esteem questionnaire. The last term average grade point also was considered as academic achievement score. Data analyzing using multiple regression and t students revealed that achievement motivation and self-esteem of non-traditional students have significantly positive correlation and with academic achievement. Achievement motivation was the stronger predictor of academic achievement than self-esteem. Other findings are: non-traditional students' self-esteem, academic and achievement were greater than the traditional students. Furthermore, it is found that non-traditional male students were superior on achievement motivation, academic achievement and self-esteem. There was not any significant difference between traditional and non-traditional female students on the studied variables. Being a fresh more or junior student also has significant impact on non-traditional students. The finding of present study support previous results.

## مقایسه ی انگیزش پیشرفت، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان متعارف و غیرمتعارف

بایرام علی رنجگر<sup>۱</sup>

**چکیده:** هدف پژوهش حاضر عبارت است از مقایسه انگیزش پیشرفت، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان متعارف و غیرمتعارف. بدین منظور یک نمونه ۱۴۸ نفری (۷۴ دانشجوی عادی و ۷۴ دانشجوی بزرگسال) از میان جامعه ی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن انتخاب و پرسشنامه های انگیزش پیشرفت ادواردز و عزت نفس کوپر اسمیت اجرا شد. در ضمن معدل ترم قبل نیز به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد. تحلیل - یافته ها از طریق آزمون رگرسیون چندگانه و تی نشان می دهد که انگیزش پیشرفت و عزت نفس دانشجویان غیرمتعارف با میزان پیشرفت تحصیلی آنها رابطه ی مثبت و معنی دار دارد. از بین دو متغیر تبیینی، متغیر انگیزش پیشرفت، پیش بینی کننده ی نیرومندی است. انگیزش پیشرفت، پیشرفت تحصیلی و عزت نفس دانشجویان غیرمتعارف بیشتر از دانشجویان متعارف است. از نظر تفاوت های جنسیتی نیز مشخص شد که انگیزش پیشرفت، پیشرفت تحصیلی و عزت نفس دانشجویان مرد غیرمتعارف بیشتر است. در حالی که بین دانشجویان زن تفاوتی از نظر این سه متغیر وجود ندارد. دانشجوی سال آخر یا اول بودن نیز بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف تاثیر دارد.

## مقدمه

ورود به دانشگاه در زندگی هر فرد، واقعه‌ی مهمی محسوب می‌شود، چرا که بر شغل، درآمد، روابط اجتماعی و انتخاب همسر آینده‌اش موثر است. هرچند که در گذشته ورود به دانشگاه در انحصار معدودی از بزرگسالان بود، ولی امروزه در کشورهای پیشرفته، نرفتن به دانشگاه بیشتر یک گناه شخصی تلقی می‌شود. محیط آموزش عالی افق‌های ذهنی فرد را گسترده‌تر می‌کند و در نظام پیش‌داوری‌ها و ارزش‌های اجتماعی مورد قبول او دگرگونی‌هایی بوجود می‌آورد. صرف‌نظر از اینکه، علت را آموزش دانشگاه بدانیم و یا پختگی ذهن و یا صرفاً دوری از خانواده، آنچه قابل‌سنجش است، تغییراتی است که در نگرش‌های اجتماعی دانشجویان به وجود می‌آید (اتکینسون، اتکینسون و هیلگارد، ۱۹۸۶).

دانشگاه برای دانشجویان دوره‌ی کارشناسی یک دوره‌ی انتقالی و فرایند تعهد و سپس فسخ این ارتباط است، چراکه آنان را با چالش‌های تحصیلی و شخصی جدیدی آشنا می‌کند. دو نقطه‌ی انتقالی مهم در این فرآیند وجود دارد: ورود در سال اول و اتمام درس در سال آخر. هر دو نقطه برای دانشجویان، حاوی خطرات و در عین حال فرصت‌هایی است که توجه به آنها ضروری است. به طور اخص برای یک فرد ۱۸-۲۵ ساله، غالباً نوعی تعامل میان مراحل انتقالی یادگیری و چالش‌های تحولی او آخر نوجوانی به چشم می‌خورد. سناریوی فوق شامل دانشجویی است که به طور متعارف یعنی بعد از اتمام دوره‌ی دبیرستان وارد دانشگاه شده‌است، در حالی که وضعیت دانشجوی بزرگسالی که بعد از ۲۵ سالگی وارد دانشگاه می‌شود، متفاوت است.

تغییرات اجتماعی سال‌های اخیر، موجب شده‌است که قشر دیگری تحت عنوان دانشجویان بزرگسال<sup>۱</sup> وارد دانشگاه شوند. در طی چند سال گذشته در جامعه، از نظر اهمیت تحصیلات عالی جهت احراز جایگاه شغلی و بالابردن پرستیژ اجتماعی تحولات مهمی صورت گرفته‌است. به عنوان مثال، دانشگاه آزاد اسلامی در سال‌های اولیه‌ی تاسیس خود از

1. Atkinson, Atkinson & Hillgard  
2. Adult students

طریق ایجاد دوره‌های آموزش پاره‌وقت، سعی کرد که به این قشر خدمات آموزش جهت اخذ مدرک تحصیلی بالاتر ارایه دهد.

مسئله اصلی در پژوهش حاضر پاسخ به دو سوال مهم و کنج‌کاوکننده بوده‌است. سوال اول این است که چرا بعضی از افراد بعد از سن متعارف وارد دانشگاه می‌شوند؟ و دوم اینکه آیا این افراد از نظر ویژگی‌های تحصیلی چون انگیزش، پیشرفت تحصیلی و افت تحصیلی با سایر دانشجویان متعارف، تفاوت دارند؟

سوال اول، مربوط به دلایل ادامه‌ی تحصیلی و سوال دوم، مربوط به مشکلات تحصیلی یا غیرتحصیلی می‌باشد. در حدود دو سوم افراد به خاطر دلایل شغلی وارد دانشگاه می‌شوند. البته برخی دیگر نیز علاقه‌مند به روزآمد بودن در حوزه‌های کاری خودشان هستند. بسیاری دیگر نیز جهت ارتقای شغلی و یا آماده‌شدن برای انواع متفاوتی از کارها و فعالیت‌ها وارد دانشگاه یا مدرسه می‌شوند. برخی از زنانی که سال‌های جوانی خود را صرف خانه‌داری و فرزندپروری کرده‌اند جهت احراز یک شغل وارد مدرسه و دانشگاه می‌شوند. برخی از افرادی که نزدیک بازنشستگی هستند برای گسترش مهارت‌ها و توانایی‌های ذهنی خود و جهت بارآوری بیشتر وارد چنین دوره‌هایی می‌شوند. بعضی دیگر نیز صرفاً جهت لذت‌بردن از یادگیری اقدام به چنین کاری می‌کنند.

یادگیرندگان بزرگسال، معمولاً انگیزه‌ی بیشتری نسبت به دانشجویان متعارف دارند. آنان متوجه می‌شوند که یادگیری محدود به کلاس درس نیست، بلکه یادگیری می‌تواند در خانه، به هنگام کار و جای دیگری نیز صورت بگیرد، لیکن دانشجویان بزرگسال نسبت به همکلاس‌های جوان‌تر خود اضطراب بیشتر و اعتماد به نفس کمتری دارند. همچنین این افراد از مشکلات تحصیلی نیز رنج می‌برند. این افراد همیشه به خاطر عدم تناسب برنامه‌های درس با برنامه‌های کاری، فرزندداری و زناشویی شکوه دارند و از این نظر چندان مورد حمایت خانواده یا دوستان نیستند. لذا با مشکلات زیادی در دانشگاه مواجه می‌شوند. از طرف دیگر، نظام آموزش دانشگاه نیز مطالبات و انتظارات خاص خودش را دارد (پاپالیا، ۲۰۰۲).

زندگی یک مسیر خطی نیست، بلکه چرخه ای است. افراد، مشاغل خود را تغییر می‌دهند، تشکیل خانواده می‌دهند و در زندگی خود تغییرات چشمگیری ایجاد می‌کنند. زندگی بزرگسالی فرآیندی است که از دوره‌های ثبات به سوی دوره‌های بی‌ثباتی و گذر به سوی ثبات حرکت می‌کند. زندگی دیگر از یک مسیر خطی رفتن به مدرسه، فارغ‌التحصیل شدن، ازدواج کردن، کار، تشکیل خانواده و بازنشستگی پیروی نمی‌کند. زندگی شخصی در جنبه الگوهای متعارض و نیروهای اجتماعی بسیاری است و گریز از آنها غیرممکن می‌باشد. گذشته از این، با توجه به وضعیت اقتصادی فعلی، نمی‌توان هیچ نوع الگویی از اشتغال را پیش‌بینی کرد. افراد کمی هستند که در طول عمرشان بر سر یک کار باقی می‌مانند.

دانشجویان متعارف دانشجویانی هستند که بلافاصله بعد از اتمام دبیرستان در کالج یا دانشگاه ثبت نام می‌کنند و به طور تمام وقت تا فارغ‌التحصیل شدن مشغول به تحصیل می‌شوند. در مقابل دانشجویان متعارف، دانشجویان غیرمتعارف یا بزرگسال قرار دارند. این دانشجویان دارای سن ۲۵ سال یا بالاتر هستند و گروه یکنواختی را تشکیل نمی‌دهند (راتوپورو و وایزانن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). کراس<sup>۲</sup> (۱۹۸۰) نیز دانشجوی غیرمتعارف را بزرگسالی تصور می‌کند که در حالی که مسئولیت‌هایی چون خانواده، اشتغال و سایر وظایف بزرگسالی را دارد، وارد دانشگاه یا مدرسه شده‌است و به صورت تمام وقت یا پاره وقت، قصد تحصیل دارد. اسامی دیگر چنین افرادی عبارت است از «دانشجویان بزرگسال»، «دانشجویان بازگشتی» و «یادگیرندگان بزرگسال» (کراس، ۱۹۸۰).

شماری از عوامل، دانشجویان غیرمتعارف را از دانشجویان متعارف متمایز می‌سازد. دانشجویان غیرمتعارف معمولاً انگیزش محور هستند، انگیزش بالایی دارند و مستقل از نیازهای ویژه جهت برنامه‌های درسی، انعطاف‌پذیر و مناسب سطح رشدی‌شان هستند (کراس، ۱۹۸۰). این دانشجویان معمولاً رویکردهای فعال‌تر به یادگیری را ترجیح می‌دهند

1. Rautopuro & Vaisanen

2. Cross

و برای فرصت‌هایی که یادگیری تحصیلی را با زندگی و تجارب شغلی خود یکپارچه کند، ارزش قایلند (بن‌شاف، ۱۹۹۱).

پژوهش پیرامون دانشجویان غیرمتعارف در دو حوزه‌ی مسایل تحصیلی (انگیزش پیشرفت، پیشرفت تحصیلی، افت تحصیلی و ...) و غیرتحصیلی (مسایل و مشکلات روان‌شناختی مانند استرس، اضطراب، عزت نفس و اعتماد به نفس) صورت گرفته‌است. هوپر<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) در یک مطالعه دریافت که هر قدر دانشجویان غیرمتعارف زن بیشتر موفق باشند، عزت نفس آنها بیشتر و هر قدر طولانی در مدرسه باقی‌مانده باشند، اضطراب زیادی را از سوی همسرشان تجربه می‌کنند. زنانی که عزت نفس بالایی دارند و مایلند به دانشگاه بروند، بیش از زنانی که مایلند به دانشگاه بروند ولی عزت نفس پایینی دارند، به انجام رفتارهایی که منجر به نیل به آن هدف می‌شود، اهتمام می‌ورزند (دنمارک و گوتن تاگ، ۱۹۶۷). مطالعه نان<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) نشان داده است که گروه‌های بزرگسال دانشجویی تمایلات زیادی به مثبت‌تر بودن در خود پنداره و عزت نفس بالاتری دارند و در یادگیری اضطراب کمتری از خود نشان می‌دهند و دارای منبع کنترل درونی می‌باشند.

تقریباً به یقین می‌توان ادعا کرد که اولین پژوهش‌ها پیرامون دانشجویان غیرمتعارف حول مفاهیم انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی آنان بوده است. پژوهش اپلر و هارجو<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) پیرامون انگیزش پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف و متعارف با استفاده از بسط نظریه‌ی انگیزش پیشرفت دووک<sup>۴</sup> در سطح دانشگاه، نشان داد که دانشجویان غیرمتعارف اهداف یادگیری نیرومندتری نسبت به دانشجویان متعارف دارند. از طرف دیگر هدف‌گذاری یادگیری، عامل نیرومندی برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی در دانشجویان به شمار می‌رود.

---

1. Hooper  
2. Nune  
3. Epler & Harju  
3. Dovek

پژوهش ویسنات، سالیوان و اسلاتیون<sup>۱</sup> (۱۹۹۲)، تصویری که در اکثر پژوهش‌ها از دانشجویان غیرمتعارف ارایه می‌شود را تایید کرده‌است، یعنی اینکه عملکرد تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف بزرگسال، بالاتر از عملکرد تحصیلی دانشجویان متعارف است. وولفگانگ و داوولینگ<sup>۲</sup> در پژوهشی با استفاده از مقیاس EPS (مقیاس مشارکت در تحصیل<sup>۳</sup>) نشان دادند که دانشجویان غیرمتعارف نسبت به دانشجویان متعارف به طور معنی‌داری در عامل انگیزش مسایل شناختی، نمرات بالاتری می‌گیرند. سایر پژوهشگران (مثلا کاس ورم<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰؛ ناولز<sup>۵</sup>، ۱۹۷۰؛ رولفز<sup>۶</sup>، ۱۹۷۶) نیز اذعان می‌کنند که دانشجویان غیرمتعارف درباره‌ی تحصیل خود تعهدات هشیارانه می‌دهند. تلاش‌هایشان به واسطه‌ی انگیزش بالا ارتقا می‌یابد، برای مشارکت همیشه مشتاق هستند و خواهان سرمایه‌گذاری زمانی و انرژی و آمادگی برای یادگیری هستند (ویسنات، سالیوان و اسلاتیون، ۱۹۹۲).

## روش آزمودنی‌ها

جامعه‌ی آماری پژوهش، عبارت است از کلیه‌ی دانشجویان مقطع کارشناسی پیوسته که در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ مشغول به تحصیل بودند. براساس فرمول برآورد حجم نمونه، ۱۴۸ دانشجو از طریق کاربرد روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای، انتخاب شدند.

## ابزارها

۱. **انگیزه پیشرفت:** برای اندازه‌گیری انگیزش پیشرفت از آزمون انگیزش پیشرفت ادواردز (۱۹۷۰)، استفاده شد، این مقیاس با توجه به ۱۵ نیاز از ۲۱۰ زوج جمله تشکیل شده است. بخشی از این پرسشنامه جهت اندازه‌گیری انگیزش است که توسط کریمیان (۱۳۷۴)، هنجاریابی شده و شامل ۱۵ عبارت جفتی است. آزمودنی باید جمله‌ای را که موافق آن است

1. Whisnant, Sullivan & Slayton  
1. Wolfgang & Dawling

3. Education Participation Scale  
4. Kasworm

5. Knowles  
6. Roelfs

انتخاب کند، لذا حداکثر نمره ۱۵ می‌باشد. نمره ی بالاتر از ۸ نشان‌دهنده ی انگیزش پیشرفت بالاست. پایایی آزمون از طریق زوج و فرد کردن، ۰/۷۹ به دست آمده‌است و با آزمون انگیزش پیشرفت هرمانس، همبستگی بالایی دارد (کریمیان، ۱۳۷۴).

**۲. عزت نفس:** جهت اندازه‌گیری عزت نفس دانشجویان، از آزمون عزت نفس کوپراسمیت ویژه ی بزرگسالان استفاده شد. فرم بزرگسالان این آزمون ۵۸ ماده دارد که به صورت بله و خیر تنظیم شده است. این آزمون، ۸ سوال برای دروغ‌سنجی دارد. حداقل نمره ی صفر و حداکثر نمره ی ۵۰ است (گنجی، ۱۳۸۱). ثابت (۱۳۷۵) در یک بررسی، میزان پایایی این آزمون را از طریق روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹۲ به دست آورد.

### یافته‌ها

جدول ۱ بیانگر توزیع ویژگی‌های دموگرافیک (جمعیت شناختی) نمونه‌های مورد مطالعه است. همانگونه که مشاهده می‌شود، اکثر دانشجویان متعارف مورد مطالعه، مجرد (۸۵/۱ درصد) و بیکار (۷۸/۴ درصد) هستند و ۵۲/۷ درصد، در سال اول و ۴۷/۳ درصد در سال آخر دانشگاه تحصیل می‌کنند. در مقابل، اکثر دانشجویان غیرمتعارف مورد مطالعه، متأهل (۹۳/۲ درصد) و شاغل (۱۰۰ درصد) هستند و ۵۲/۷ درصد در سال اول و ۴۷/۳ درصد در سال آخر تحصیل شان هستند.

جدول شماره ی ۱: توزیع فراوانی متغیرهای دموگرافیک پژوهش

| گروه‌ها   | شاخص‌ها | جنسیت | تاهل  |      | اشتغال |       |         | سال تحصیلی |      |
|-----------|---------|-------|-------|------|--------|-------|---------|------------|------|
|           |         |       | متاهل | مجرد | شاغل   | بیکار | سال اول | سال آخر    |      |
| متعارف    | فراوانی | ۳۷    | ۳۷    | ۱۱   | ۶۳     | ۱۶    | ۵۸      | ۳۹         | ۳۵   |
|           | درصد    | ۵۰    | ۵۰    | ۱۴/۹ | ۸۵/۱   | ۲۱/۶  | ۷۸/۴    | ۵۲/۷       | ۴۷/۳ |
| غیرمتعارف | فراوانی | ۳۷    | ۳۷    | ۶۹   | ۵      | ۷۴    | ۰       | ۳۹         | ۳۵   |
|           | درصد    | ۵۰    | ۵۰    | ۶/۸  | ۶/۸    | ۱۰۰   | ۰       | ۵۲/۷       | ۴۷/۳ |

برای بررسی رابطه انگیزش پیشرفت و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف، ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرها را محاسبه کرده ایم ( $R = ۰/۹۳۷$ ).

مقدار ضریب  $R^2$  اصلاح شده ( $R^2 = 0/875$ )، حاکی از آن است که ۸۷/۵ درصد پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف ناشی از انگیزش پیشرفت و عزت نفس است (جدول ۲). بررسی معناداری ضریب  $R^2$  محاسبه نشان می‌دهد که این ضریب از نظر آماری معنی‌دار است ( $P < 0/01$  و  $F(2, 71) = 255/697$ ).

جدول شماره ۲: برآورد ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تبیین

| مدل | R     | R     | $R^2$ اصلاح | خطای معیار برآورد شده |
|-----|-------|-------|-------------|-----------------------|
| ۱   | ۰/۹۳۷ | ۰/۸۷۸ | ۰/۸۷۵       | ۰/۵۹۵۳۴               |

برای اینکه مشخص شود کدام یک از متغیرها بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ی پیشرفت تحصیلی هستند، ضرایب رگرسیون را محاسبه کرده ایم. همانگونه که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد انگیزش پیشرفت، بهترین تبیین‌کننده‌ی پیشرفت با ضریب  $0/493$  استاندارد نشده و  $0/762$  استاندارد شده است. البته ضریب رگرسیون عزت نفس نیز از نظر آماری، معنی‌دار ( $P < 0/05$ ) است.  $t = 2/607$  و  $P$  است.

جدول شماره ۳: خلاصه محاسبات ضرایب رگرسیون

| متغیرها     | ضرایب بدون استاندارد |            | t      | معنی‌داری  |
|-------------|----------------------|------------|--------|------------|
|             | B                    | خطای معیار |        |            |
| ثابت انگیزش | ۱۰/۹۶۵               | ۰/۲۵۱      | ۴۳/۶۸۶ | $P < 0/01$ |
| عزت نفس     | ۰/۴۹۳                | ۰/۰۵۰      | ۹/۸۸۵  | $P < 0/01$ |
|             | ۰/۰۳۸                | ۰/۰۱۵      | ۲/۶۰۷  | $P < 0/05$ |

بنا بر این می‌توان معادله رگرسیون را به صورت زیر نوشت:

$$y = 10/965 + 0/493 (\text{انگیزش پیشرفت}) + 0/038 (\text{عزت نفس})$$

برای بررسی میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف و دانشجویان متعارف، میانگین پیشرفت تحصیلی در دو گروه با یکدیگر مقایسه کرده ایم (جدول شماره ۴). همانگونه که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف ( $16/10 =$



(x) به طور معنی داری بیشتر از پیشرفت تحصیلی دانشجویان متعارف ( $x=15/12$ ) است ( $P < 0/01$ ) و  $t(146) = -3/335$ .

**جدول شماره ۴:** خلاصه محاسبات آزمون t نمرات پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف و متعارف

| معنی داری  | t      | درجه آزادی | انحراف معیار | میانگین | تعداد | گروه ها   |
|------------|--------|------------|--------------|---------|-------|-----------|
| $P < 0/01$ | -۳/۳۳۵ | ۱۴۶        | ۱/۸۷۵        | ۱۵/۱۲۷۰ | ۷۴    | متعارف    |
|            |        |            | ۱/۶۸۱        | ۱۶/۱۰۳۵ | ۷۴    | غیرمتعارف |

برای بررسی میزان انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف و دانشجویان متعارف میانگین میزان انگیزش پیشرفت دانشجویان را در دو گروه را با یکدیگر مقایسه کرده ایم (جدول شماره ۵). جدول ۵ نشان می دهد که میزان انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف ( $x=8/07$ ) به طور معنی داری بیشتر از انگیزش پیشرفت دانشجویان متعارف ( $x=7/03$ ) است.

**جدول شماره ۵:** خلاصه محاسبات آزمون t نمرات انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف و متعارف

| معنی داری  | t      | درجه آزادی | انحراف معیار | میانگین | تعداد | گروه ها   |
|------------|--------|------------|--------------|---------|-------|-----------|
| $P < 0/01$ | -۲/۶۳۵ | ۱۴۶        | ۲/۱۸۹        | ۷/۰۳    | ۷۴    | متعارف    |
|            |        |            | ۲/۵۹۸        | ۸/۰۷    | ۷۴    | غیرمتعارف |

به همین ترتیب، تجزیه و تحلیل یافته ها نشان می دهند که میزان عزت نفس دانشجویان غیرمتعارف ( $x=30/51$ ) به طور معنی داری بیشتر از میزان عزت نفس دانشجویان متعارف ( $x=27/80$ ) است ( $P < 0/05$ ) و  $t(146) = -1/855$ . همچنین انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف زن ( $x=6/73$ ) به طور معنی داری کمتر از انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف مرد ( $x=9/41$ ) است ( $P < 0/01$ ) و  $t(72) = -5/145$ . یافته ها بیانگر آن است که میانگین عزت نفس دانشجویان غیرمتعارف زن ( $x=25/22$ ) به طور معنی داری کمتر از میانگین عزت نفس در دانشجویان غیرمتعارف مرد ( $x=35/81$ )، ( $P < 0/01$ ) و میانگین پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف زن ( $x=15/11$ ) به طور

معنی‌داری کمتر از میانگین پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف مرد ( $x=17/094$ ) است ( $t(72) = -6/248$  و  $P < 0/01$ ).

برای بررسی انگیزش پیشرفت در بین دانشجویان سال اول و آخر غیرمتعارف، میانگین پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف سال اول ( $8/38$ ) را با میانگین انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف سال آخر ( $7/71$ ) مقایسه کردیم (جدول شماره ۶) این مقایسه نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین میانگین‌های دو گروه وجود ندارد ( $P < 0/05$ ) و  $t(72) = 1/115$ .

جدول شماره ۶: خلاصه محاسبات آزمون  $t$  نمرات انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف سال اول و سال آخر

| معنی‌داری  | $t$   | درجه آزادی | انحراف معیار | میانگین | تعداد | گروه‌ها           |
|------------|-------|------------|--------------|---------|-------|-------------------|
| $P > 0/05$ | 1/115 | 72         | 2/691        | 7/38    | 39    | غیرمتعارف سال اول |
|            |       |            | 2/480        | 7/71    | 35    | غیرمتعارف سال آخر |

بررسی میانگین پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف سال اول و سال آخر (جدول شماره ۷) نشان می‌دهد که میانگین پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف سال اول ( $16/32$ ) به طور معنی‌داری بیشتر از میانگین پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف سال آخر ( $15/86$ ) است ( $t(72) = 1/169$  و  $P < 0/05$ ). در حالیکه بین میانگین عزت نفس دانشجویان غیرمتعارف سال اول ( $31/82$ ) و دانشجویان غیرمتعارف سال آخر ( $29/06$ )، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ( $P > 0/05$ ) و  $t(72) = 1/346$ .

جدول شماره ۷: خلاصه محاسبات آزمون  $t$  نمرات عزت نفس دانشجویان غیرمتعارف زن و مرد

| معنی‌داری  | $t$   | درجه آزادی | انحراف معیار | میانگین | تعداد | گروه‌ها           |
|------------|-------|------------|--------------|---------|-------|-------------------|
| $P < 0/05$ | 1/169 | 72         | 1/641        | 16/32   | 39    | غیرمتعارف سال اول |
|            |       |            | 1/716        | 15/86   | 35    | غیرمتعارف سال آخر |

### باهم‌نگری یافته‌ها

۱. انگیزش پیشرفت و عزت نفس دانشجویان غیرمتعارف با میزان پیشرفت تحصیلی، رابطه‌ی مثبت معنی‌دار بالایی دارد. از بین دو متغیر تبیینی، متغیر انگیزش پیشرفت، پیش‌بینی‌کننده‌ی نیرومندی است.
۲. سطح انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف، بیشتر از سطح انگیزش دانشجویان متعارف است.
۳. میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف، بیشتر از پیشرفت تحصیلی دانشجویان متعارف است.
۴. میزان عزت نفس دانشجویان غیرمتعارف بیشتر از عزت نفس دانشجویان متعارف است.
۵. سطح انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف مرد بیشتر از دانشجویان غیرمتعارف زن است.
۶. میزان عزت نفس دانشجویان غیرمتعارف مرد بیشتر از عزت نفس دانشجویان غیرمتعارف زن است.
۷. میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف مرد بیشتر از پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف زن است.
۸. میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف سال اول، بیشتر از دانشجویان غیرمتعارف سال آخر است.
۹. بین میزان عزت نفس دانشجویان غیرمتعارف سال اول و سال آخر، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد.
۱۰. بین میزان انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف سال اول و سال آخر، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از یافته‌های پژوهش حاضر حمایت می‌کنند. پژوهش ایپلورهارجو (۱۹۹۷) نشان داده‌است که دانشجویان غیرمتعارف، اهداف یادگیری

نیرومندتری نسبت به دانشجویان متعارف دارند. مطالعه‌های هونزیک و مک فارلن (۱۹۷۳)؛ ویسنانت، سالیوان و اسلاتون (۱۹۹۲)؛ و ولفگانگ و داوولینگ (۱۹۸۱)؛ دانا هو و وونگ (۱۹۹۷) و شیهان، مک منامین و مک دویت (۱۹۹۲) همگی حاکی از این نکته هستند که سطح انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف، بالاتر از دانشجویان متعارف است. از آنجا که نیرومندترین عامل پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی عامل انگیزش پیشرفت است. لذا این یافته نیز طبیعی است که میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان غیرمتعارف بیشتر از پیشرفت تحصیلی دانشجویان متعارف باشد.

درمورد تفاوت‌های جنسیتی دانشجویان غیرمتعارف، پژوهش‌های اندکی شده‌است. مطالعه‌ی دانا هو و وونگ نشان می‌دهد که انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف زن، بالاست. یافته‌ای که مغایر با یافته پژوهش حاضر پیرامون پایین بودن سطح انگیزش پیشرفت دانشجویان غیرمتعارف زن، نسبت به دانشجویان غیرمتعارف مرد است. شاید این مساله ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و انتظارات متفاوت از نقش دانشجوی غیرمتعارف در کسوت دانشجوی، والد و عضو خانواده در کشورمان باشد.

مردان در مقایسه با زنان، انتظارات بالایی از موفقیت شغلی دارند و اهمیت زیادی برای حقوق قایلند. به طور کلی، مردان به انگیزه‌های بیرونی چون پول و موفقیت گرایش دارند و زنان بیشتر به کسب رضایت شخصی. جنسیت بر انتظارات و انگیزش تاثیر زیادی دارد. علیرغم عملکرد یکسان مردان و زنان در آزمون‌های هوش و عملکرد برتر زنان در مدرسه، مردان هوش خود را بالاتر از زنان درجه‌بندی می‌کنند و هر دو جنس پدران خود را باهوش‌تر از مادرانشان و پدربزرگان را باهوش‌تر از مادربزرگان خود درجه‌بندی می‌کنند. همچنین، وقتی که مردان و زنان با یک تکلیف تازه روبه‌رو می‌شوند، زنان عملکرد مورد انتظار را با اهمیت‌تر از مردان جلوه می‌دهند (بارون و برن، ۲۰۰۲).

درمورد تفاوت‌های بین دانشجویان سال اول و سال آخر نیز پژوهش‌هایی یافت نشد. به طور کلی، دانشجویان سال اول از انگیزش بیشتری برخوردارند و احتمال اینکه پیشرفت

تحصیلی آنها بالا باشد زیاد است. دانشجوی بزرگسال با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. نرخ ریزش دانشجوی غیرمتعارف تقریباً در حدود ۳۲ درصد است. لذا طبیعی است که در مسیر ادامه تحصیلات میزان پیشرفت تحصیلی آنها کمتر شود (الن، ۱۹۹۳).

### منابع

- ابراهیمی، ع. (۱۳۸۲). بررسی تاثیر میزان خلاقیت، منبع کنترل و انگیزه ی پیشرفت بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر سال سوم دبیرستان منطقه ۴ آموزش و پرورش تهران. *پایان‌نامه ی چاپ‌نشده کارشناسی ارشد، رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی.*
- اتکینسون، ر. ل؛ اتکینسون، ر. سی؛ و هیلگارد، ا. (۱۹۸۶). *زمینه ی روان‌شناسی هیلگارد*. ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران، (۱۳۶۸). تهران: رشد.
- ریو، ج. م. (۲۰۰۲). *انگیزش و هیجان*. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۱). تهران: ویرایش.
- کریمیان، ف. (۱۳۷۴). رابطه منبع کنترل با انگیزش پیشرفت و بررسی تغییرپذیری منبع کنترل در شرایط موفقیت و شکست. *پایان‌نامه چاپ‌نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.*
- Allen, B. A. (1993). The student in higher education: A Nontraditional student Retention: *CATALYST, Vol XXIII, No3, Summer.*
- Baron, R., Byrne, D. (2000). *Social Psychology*. Boston: ALLYN & BACON.
- Benshoff, J. M. (19991). Nontraditional college students: A developmental look at the needs of women and men returning to school. *Journal of youn Adulthood and Middleage, 3, 47-61.*
- Benshoff, J. M., & Henry, A. (1992). Nontraditional college students. *ERIC Digenst. ID: ED 3474483.*
- Cooper smith, S. (1967). *The antecedents of self-esteem*. Sanfransico W.H Freeman.
- Cross, K. P. (1980). Our changing students and their impact on college: Prospects for a true learning society. *Phi delta Kappen, May, 630-632.*
- Denmark, F., & Guttentag, M. (1967). Dissonance in the self-concepts & educational concepts of college & oriented women. *Journal of counseling psychology, 14, 113-115.*
- Denohue, T.L., & Wong, E.H. (1997). Achievement motivation & college satisfaction in traditional & nontraditional students. *Education11, Winter*
- Eppler, M. A, & Harju, B. L. (1997). Achievement motivation Goals in retention to academic performance in traditional and nontraditional college students. *Springer science, Vol 38No 5 Abstract.*
- Papilla, D. E, Wendkos, E, & Dlds, S. (2000). *Human Development*. NY: McGraw Hill.

- Rautopuro, J, & Vaisanen, P. (2001). *Nontraditional students at university. A follow-up study of young & adult students orientation satisfaction & Learning outcomes*. Paper presented at the European conference on Educational Research, Lille, 5-8 September.
- Richter-Antion, D. (1986). Qualitative differences between adult and young students. *NASPA Journal*, 23, 58-62.
- Sheehan, E. P, McMenamin, N, & Mcdevitt, T.M. (1992). Learning styles of traditional and nontraditional university students. *College students Journal* 26(4) 486-490.
- Whisnant, W.T, Sullivan, J. C, & Slayton, S.L. (1992). The "old" new Resource for Education-Student Age. *CATALYST*, Vol. XXII, N3, Summer.

